خط رحیم از رحیم خان ... پدر دکتر عطاءالله ...

۱۲۹۶

عالیجاه مجدت همراه جهت حسن را قلمی میشود

کاغذ شما رسید از رحیمی وصول نوشته بودید تا به حال همیشه

مستحضر شدم از شما و از کارهای شما کمال رضامندی را دارم و بزرگی و در ... سکان ...

سلطانی برده ... فی وجاب مجدت نصاب آقای ثقة الله ... حسنعلی ...

در مرده و شما آره و ... بعد استشفاع راجع شما است ...

امر اجاره باقیها ... ابریشم کلفت را هم اگر گرفته است تکلیف او ...

نبود بخود او ... ابریشم گرفته است علیحده ...

رد نماید خود شما ابریشم کلفت را که از او میگیرید و ابریشم جزو ...

باطلاع او در حجره حاجی حاجی آقا نداشته ... وطنی نبوده

و برش را خیلی زود برات ... بکارهای ...

دهات ابراهیمی خود آن نایب حسنعلی ... باید

این ابریشم را هم خود آن گرفته ... باید

[illegible]